

استاد معروفی: با پایان قطعات موسیقی ایرانی را به خوبی می توان نواخت

استاد جواد معروفی آهنگساز و نوازنده هنرمند ایرانی بیش از ۶۰ سال سابقه آهنگسازی دارد و

بیشتر آثارش چون: سوئیت دشتی، سوئیت سه گاه سوئیت ماهور و (دیلمان) در

مایه دشتی، خوابهای طلائی، ژیل و... از قطعات قوی و جاودان موسیقی ایرانی است.

به تعبیری می توان گفت که گرایش به موسیقی

در خانواده معروفی يك سنت موروثی است. پدرش یکی از موسیقیدانان بزرگ ایران بود و در راه زنده کردن

موسیقی سنتی ایران زحمات بسیاری کشید.

همکارمان فرمهر منجزی در باره زندگی هنری و فعالیتها و خاطرات استاد

گفتگویی با ایشان انجام داده است که در زیر می خوانید.

سازی که برایش آهنگ می سازم و ساز تخصصی من به حساب می آید پیانو است و به جرأت می توانم بگویم سبک جدید نواختن این ساز در ایران به وسیله من پایه گذاری شده است. سابق بر این در موسیقی ایرانی پیانو را دو دستی و يك صدا می نواختند و من به خاطر آشنایی با موسیقی اروپایی برای دست چپ پیانو نتهایی نوشتم و قطعاتی تهیه کردم که سبک نواختن پیانو را تغییر داد مثل: راپسودی اصفهان، پرلودها و چهارگاه.

پیانو يك ساز فرنگی است (مانند ویلن) و بحث قدیمی وجود «ربع پرده» در موسیقی ایران را هم که به خاطر دارید. ممکن است توضیح دهید چگونه توانستید صدای يك ساز غیر ایرانی را تا این اندازه به گوش شنوندگان موسیقی ایرانی نزدیک کنید؟ عرض کنم خدمتان که پیانو يك ساز بین المللی است، البته قطعات موسیقی ایرانی را می توان خیلی خوب با این ساز نواخت، آوازه های چهارگاه و همايون و قسمتی از ماهور و همچنین قسمتی از راست پنجگاه را می توانیم در كوك فرنگی استفاده کنیم. برای دستگاه های دیگر ما مجبوریم ربع پرده داشته باشیم چون اساساً در موسیقی بین المللی پرده و نیم پرده وجود دارد و موسیقی ما هم پرده، هم نیم پرده و هم ربع پرده دارد. که این ربع پرده ها هم در سالهای قبل یعنی به وسیله استاد «کلنل وزیری» نام گذاری شد. یعنی کرون و سُرّی. کرون ربع پرده صدارا پائین می آورد و سُرّی ربع پرده صدارا بالا می برد و ما برای این آوازه ها كوك پیانو را عوض می کنیم، یعنی ربع پرده درست می کنیم. آن وقت می توانیم سه گاه و افشاری و ابوعطا و دشتی و بیات ترك و نوا را به خوبی بنوازیم.

در سالهای گذشته و به خصوص پس از انقلاب، شاهد ارائه کارهای تازه ای از شما به بازار نوار موسیقی بوده ایم. آیا این آثار را بعد از انقلاب خلق کرده اید و یا متعلق به سالهای گذشته و قبل از انقلاب است؟ و دیگر این که اصولاً زمینه کارتان - به خصوص ساز پیانو - را در کشور چگونه

می بینید؟

این نوارها بعد از انقلاب تهیه شده. مانند پرلود، بعضی به صورت راپسودی و همچنین رمانس است.

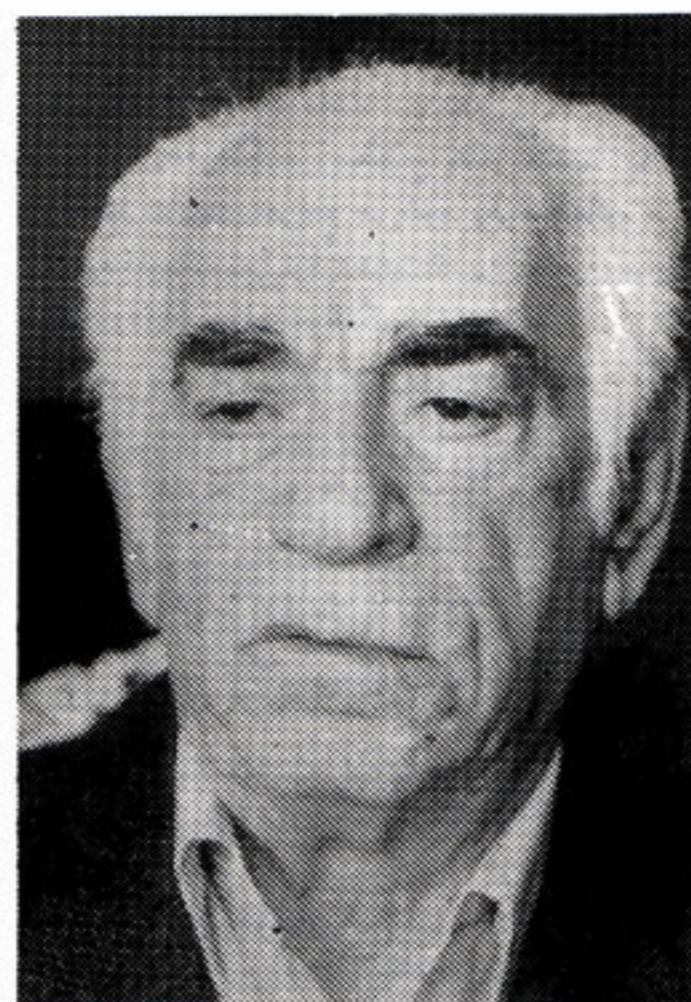
استاد معروفی. با تشکر فراوان از این که ما را به حضور پذیرفتید اجازه می خواهیم اولین سوال خود را چنین مطرح کنیم: امروز در کشور ما حضرتعالی معروفترین و چیره دست ترین نوازنده پیانو هستید، ممکن است بگویید چه شد که به پیانو علاقه مند شدید؟

گرایش به موسیقی در خانواده ما موروثی است. پدرم یکی از موسیقیدانان بزرگ ایرانی بود و در راه زنده کردن موسیقی سنتی ایران زحمات بسیاری کشید. به خاطر عشقی که پدرم به فراگیری موسیقی ایرانی داشت نزد مرحوم «درویش خان» به آموختن این فن ظریف پرداخت و به این ترتیب پای بیشتر هنرمندان معروف آن زمان به خانه ما باز شد. در نتیجه این نشست و برخاستها بود که پایه های کار هنریم ریخته شد. پس از چندی برای فراگیری رشته موسیقی در ۱۴ سالگی وارد مدرسه شدم و زیر نظر استاد «علینقی وزیری» دوره های مدرسه عالی موسیقی را گذراندم. در هنرستان عالی موسیقی معلم سلفژ و دیکته موسیقی بودم. بعد از تأسیس هنرستان ملی موسیقی، هنر آموز دیکته موسیقی، سولفژ و پیانو شدم و دیپلم خود را در رشته پیانو از هنرستان موسیقی دریافت کردم. در سال ۱۳۱۱ وارد کار دولتی شدم و رسماً به تدریس پرداختم و امروز یکی از افتخاراتم پرورش شاگردانی است که از نوازندگان برگزیده در موسیقی ایرانی هستند.

از چه تاریخی به رادیو رفتید و چگونه به برنامه گلهای پیوستید؟

از اولین روزهای تأسیس رادیو به این مرکز آمدم. در آن زمان سه ارکستر بزرگ در رادیو برنامه داشت که رهبری ارکستر شماره يك به عهده من گذاشته شد. مدتی سرپرست موسیقی رادیو بودم و بعد از آن به عضویت شورای عالی موسیقی درآمدم پس از آن وقتی برنامه گلهای به همت شادروان داود پیرنیا بنیانگذاری شد به آهنگسازان این برنامه پیوستم و رهبر ارکستر شدم.

ساز تخصصی شما و یا بهتر بگویم سازی که برای پیاده کردن آثارتان انتخاب کرده اید چیست؟



■ «کرون»، ربع پرده صدارا پائین می آورد و «سُرّی» ربع پرده صدارا بالا می برد و ما برای این آوازه ها كوك پیانو را عوض می کنیم. یعنی ربع پرده درست می کنیم. آن وقت می توانیم سه گاه و افشاری و ابوعطا و دشتی و بیات ترك و نوا را به خوبی بنوازیم.

■ موسیقی سنتی، از قدیم در ایران بوده و اصالتی تا به آن پایه دارد که هرگز از بین نخواهد رفت و شامل دستگاههای موسیقی، تصنیفها و آهنگهای ضربی می شود.



موسیقی بعد از انقلاب از صورت ابتدال بیرون آمده و وضع خوبی پیدا کرده منتهی الان به اندازه کافی خواننده خوب نداریم و بایستی خواننده های خوب تربیت بشوند.

ساخته های «راز خلقت» و «عاشورا»ی شما ملهم از فرهنگ مذهبی و عزاداری های مردم است. و برای شنونده آنها جالب تر اینکه واقعه «عاشورا» و عزاداری های مردمی را با ساز - آنهم با پیانو - عرضه کنند. آیا ساختن این قطعات خاص، با سایر آثارتان تفاوت داشت؟ شما برای اولین بار عزاداریهای سنتی را به وسیله پیانو به حوزه موسیقی کشانیدید. انگیزه این کار چه بود؟

در سابق بعضی از دسته های عزاداران گروه موزیک داشتند و سازهای آنها عبارت بود از دو «ترومپت» و دو «کلارینت» (قره نی) و یک طبل بزرگ و یک طبل کوچک و سنج و... آهنگهایی هم که می زدند خیلی زیبا بود یعنی از روی نوحه ها گرفته شده بود. بنده نتهای این ها را داشتم - پدرم نت آنها را نوشته بود - بعد اینها را برای پیانو تنظیم کردم و نواختم.

پیانو همواره سازی گران بوده است و امروزه با توجه به تورم و قیمت های موجود، گران تر از هر زمان دیگری است. مسلماً این امر به عنوان سد محکمی در مقابل آموزش این ساز - که از عمر ورود آن به ایران زمان چندانی نمی گذرد - خواهد ایستاد. آیا در این مورد نظر خاصی دارید؟

برای آموزش پیانو، شاگردهای من همه پیانو دارند که از گذشته داشته اند. ولی امروزه قیمت پیانو گران است. ساز سنگینی است دیگه این مسئله دست ما نیست و باید قبول کنیم.

به نظر شما چرا ساخت پیانو، در کشورمان متداول نشده و پیشرفت نکرده است، در صورتی که ما سازندگان بسیار ماهر و تقریباً کم نظیری مانند استاد «ابراهیم قنبری مهر» داریم که در زمینه ساخت سازهای خارجی و ایرانی مهارت کامل دارند... راستی چرا تاکنون در ایران ساخت پیانو (مانند ویلن، سه تار یا سنتور) فراگیر و عادی نشده است؟

پیانو از زمان ناصرالدین شاه به ایران آمد. در آن

زمان کسی به اسم «آقا محمدصادق خان»، بود که سنتور خوب می نواخت و گویا شاه او را مجبور کرده که پیانو بنوازد. ایشان کارهایی انجام داده، البته نه به شیوه نواختن بین المللی. چون پیانو سازی است که دست چپ و راست دارد و دست چپ حتماً باید آکمپیمان دست راست باشد و آنها از این موضوع اطلاعی نداشتند. بعدها کسان دیگری آمدند و روی همان سبک قدیم دست چپ و راست را یکطور می نواختند مثل مرحوم «مرتضی محجوبی» و «مشیر همایون» که خوب ساز می زدند ولی روش پیانو این نیست، چون پیانو یک ساز بین المللی است و حتماً باید تکنیک موسیقی بین المللی را روی این ساز مراعات کرد. بنده آدمم این سبک را عوض کردم و گفتم دست راست ملودی بزند و دست چپ یک آکمپیمانی داشته باشد. البته نه آن هارمونی خیلی مشکل را. باید هارمونی خیلی ساده باشد که به گوش مردم خوش بیاید. و الان هم دارم متدی برای موسیقی ایرانی روی پیانو تهیه می کنم. امیدوارم تمام بشود و به چاپ برسد.

بجز شما مرحوم مرتضی محجوبی نیز در زمینه پیانو کار کرده است. آیا تفاوتی میان کار شما و ایشان وجود دارد؟

همانطور که گفتم، ایشان دو دستی و یکنواخت می نواختند بنده فکر کردم چون پیانو یک ساز بین المللی است، بایستی حتماً دست چپ روش دیگری داشته باشد و من روشی را برای پیانو پیاده کردم که البته دنباله کار استاد آقای «کنل ووزیری» است.

شما فرمودید شاگردهایی تعلیم داده و می دهید، ممکن است بفرمائید چرا الان فعالیت زیادی از پیانیست ها نمی بینیم.

شاگردهای خوبی دارم که کار می کنند ولی بستگی به میل خودشان دارد که کارهایشان را ارائه دهند یا نه. در گذشته شاگردهای هنرستان عالی موسیقی بودند که من آنجا تدریس می کردم. شاگردهایی تربیت کرده ام که الان خود آنها مشغول تدریس هستند. فعالیتی ندارند که کنسرتی بدهند یا نواری پر کنند تا آنجا که اطلاع دارم انوشیروان روحانی نوار پر می کند.

آیا بجز پیانو ساز دیگری هم می نوازید؟
خیر، بنده فقط در پیانو تخصص دارم.
به غیر از نوازندگی آیا در دیگر زمینه های موسیقی کاری انجام داده اید؟

آهنگسازی در فرم های موسیقی ایران و نوارهایی هم بر اساس دستگاه های موسیقی ایرانی و آهنگهایی که تقریباً جنبه شرقی دارد ضبط شده یعنی کاملاً ایرانی نیست، شرقی است، مثل پرلودها، راپسودی اصفهان، ماهور و قطعاتی دیگر که بعضی از آنها به چاپ رسیده و برخی از آنها را دارم چاپ می کنم.

خوابهای طلایی، ژیل، و کوکو... تقریباً معروفترین ساخته های شما هستند که هم در بسیاری از خانه ها نوارشان موجود است و هم صداها بار از صدا و سیما پخش شده و می شنوند. می دانیم که گوش مردم ما به موسیقی بدون کلام چندان آشنا نبود، اما «خوابهای طلایی» این قاعده را برهم زد و این سنت را شکست. علت موفقیت خوابهای طلایی را در چه می بینید؟

عرض کنم که اصل خوابهای طلایی این بوده که فیلمی در گذشته ها درست کردند، آهنگ متن فیلم خوابهای طلایی است اسم فیلم هم خوابهای طلایی است علت محبوب شدن آن این است که آنرا ساده نوشتم به طوری که همه بفهمند. ژیل اسم دخترم است این قطعه را برای او ساختم.

پس علت علاقه مردم به این قطعات ساده بودن آنهاست؟

شاید هم به این علت باشد که آهنگ دلنشینی است. و شاید هم چون فانزری است و کاملاً جنبه غربی ندارد و تم شرقی دارد مردم آن را دوست دارند و از آن استقبال می کنند.

بعضی ها پیانو را سازی «اشرافی» می دانند که فقط به کار ساخته های رمانتیک و عاشقانه های بسیار لطیف می آید. مسلماً این نظر را شما با ساختن «عاشورا» تغییر داده اید. معذالک عقیده و نظر خودتان را هم در این باره بفرمائید.

زمانی پیانو ساز اشرافی بوده ولی حالا هرکسی می تواند این ساز را بنوازد و تنها مختص اشراف

می‌دانیم که برای اولین بار در تاریخ موسیقی ما، ردیف‌های موسیقی ایرانی به همت مرحوم پدر شما - آقای موسی معروفی - به نت درآمد. این کار با همکاری چند استاد بزرگ سامان گرفت. آیا خاطراتی راجع به نحوه تهیه این کتاب بزرگ و تدارک این کار عظیم دارید؟

بله، این کتاب را وزارت فرهنگ و هنر چاپ کرد. و این طور که من یادم هست پدرم سالها برای نوشتن ردیف‌های موسیقی ایرانی تار کار کرد و به طور کلی ردیف‌ها یا از زمان میرزا عبدالله است یا حسینقلی و یا درویش خان.

بعضی از اهل فن می‌گویند این کتاب پاره‌ای اشتباهات و یا کمبودهایی دارد و کتاب مشابهی توسط موسیودورینگ فرانسوی تهیه شد که گویا قرار است از طرف انتشارات سروش چاپ شود. آیا به نظر شما بهتر نبود با وجود استادان بزرگی مانند شما و نیز استادانی مانند آقایان، عبادی، کسایی، بهاری، تجویدی، دهلوی، شهناز، پایور و امثالهم، این کار به همت استادان خودمان به انجام می‌رسید؟

بله، ردیف موسیقی ایرانی همین است که پدرم نوشته و این ردیف، ردیفی است که استادان بزرگی مثل میرزا عبدالله و آقا حسینقلی و اینها سینه به سینه یاد گرفته‌اند. من اطلاع ندارم از کجا یاد گرفته‌اند ولی خوب این ردیفی متداول است من از کتابی که شما گفتید اصلاً اطلاعی ندارم.

آیا اخیراً قطعه یا قطعاتی ساخته‌اید؟

مشغول کار هستم و بی‌کار نمی‌نشینم. می‌سازم، درست می‌کنم بیشتر روی موسیقی اصیل ایرانی کار می‌کنم. قطعات زیادی روی دستگاه‌های اصیل موسیقی ساخته‌ام. بعضی از آهنگ‌های برنامه گلها را من ساخته‌ام و برخی از ساخته‌های دیگران را برای ارکستر تنظیم کردم و هارمونی گذاشتم.

مثل: سوئیت دشتی، سوئیت سه گاه، سوئیت ماهور و... اینها قطعات بی‌کلام هستند و قطعات با کلام هم خیلی زیاد داریم ملودی روی اشعار عارف قزوینی، شیدا یا کار بعضی دیگر از هنرمندان را بنده برای ارکستر تنظیم و اجراء کردم.

نظرتان به طور کلی درباره موسیقی سنتی ایران چیست و آن را در چه موقعیتی می‌بینید؟

همان طور که اطلاع دارید موسیقی سنتی، موسیقی بی‌است که از قدیم در ایران بوده و اصالتی تا به آن پایه دارد که هرگز از بین نخواهد رفت و شامل

دستگاه‌های موسیقی، تصنیف‌ها و آهنگ‌های ضربی است. موسیقی سنتی اگر برای یک ساز تنظیم شود موفقیت اجرایی آن را با تکیه به مهارت نوازنده می‌توان تا حدود زیادی پیش‌بینی نمود ولی اگر قرار باشد این تنظیم برای ارکستر صورت گیرد، آن وقت حوصله، دقت و سعی زیادتری برای اجرای هرچه واقعی‌تر اثر لازم است. تک تک افرادی که دست‌اندر کار موسیقی هستند باید در مورد موسیقی احساس مسئولیت کنند.

موسیقی مبتذل و گرایش به این نوع موسیقی تا چه حد می‌تواند برای موسیقی سنتی ایجاد خطر کند، برای جلوگیری از گسترش روزافزون آن چه

■ موسیقی ما خیلی غنی است. ما علاوه بر پرده و نیم پرده، ربع پرده هم داریم. باید بیشتر روی آن کار کنیم؛ ما هم باید با موسیقی ایرانی سوناتها و سمفونیهای بزرگ درست کنیم.

باید کرد؟

این نوع موسیقی را می‌توان به علف هرزی تشبیه کرد که از شیرۀ موسیقی اصیل تغذیه می‌کند و روز به روز بر قدر خود می‌افزاید اما برای نجات موسیقی اصیل و سنتی ایران تنها می‌توان به همت و کوشش مراکزی که موسیقی را به گوش می‌رسانند متکی بود و به وسیله آن مردم را به شنیدن موسیقی صحیح عادت داد.

در موسیقی ملی ایران آهنگهای شادی از قدیم به جا مانده است. چرا آهنگسازان ما برای ساختن و تولید آهنگهای شادی بخش فعالیت چشمگیر ندارند؟

این نکته متأسفانه یکی از نقایص کار آهنگساز است - چون در کنار موسیقی غمگین که مردم را پای بند خود ساخته باید از موسیقی شاد نیز برخوردار شویم از ساخته‌های گذشتگان، قطعات و رنگهای شادی مثل کارهای درویش خان و دیگران به جای مانده که تعدادی از آن هم برای برنامه گلها تنظیم و اجراء شد. همان طور که اشاره کردم اگر کمی دل به کار ببندیم می‌توانیم از موسیقی کامل که در هرزمینه‌ای پیش‌رفته باشد برخوردار شویم. مثلاً ما در موسیقی، پیش‌درآمد، رنگ و قطعاتی که برای سازهای بخصوص و یا ارکستر بدون خواننده ساخته می‌شود داریم. و همچنین می‌توان در دستگاه‌های مختلف موسیقی چون ماهور و چهارگاه از موسیقی شاد برخوردار شد.

آیا هنوز هم پیانو می‌نوازید؟

بله.

اگر برای اجرای کنسرت از شما دعوت شود آیا می‌پذیرید.

بله، انشاءالله.

تاکنون بعد از انقلاب کنسرتی داده‌اید؟

خیر.

رشد موسیقی خوب را در چه می‌بینید و کمبودها را در چه می‌دانید؟

الآن نوازنده‌های خوب زیاد هستند ولی کم کاری می‌کنند. نمی‌دانم چرا؟

ولی خوب الآن گاهی اوقات می‌بینیم از تلویزیون آهنگهایی پخش می‌شود و خواننده‌هایی که می‌خوانند بد نیستند البته اگر بیشتر تمرین کنند می‌توانند خوانندگان خوبی شوند.

البته خواننده‌هایی مثل: بنان و قوامی و تاج و... به ندرت پیدا می‌شوند خواننده‌ها هم اگر ردیف خوب

بدانند می‌توانند بهتر شوند.

شما وجود خواننده را در موسیقی لازم می‌دانید؟

بله، حتماً باید خواننده باشد. خواننده به همراهی ساز خیلی خیلی عالی می‌شود. تنها تصنیف که نیست. آواز هم به همراهی ساز باید باشد. به اصطلاح ساز باید آواز را همراهی کند.

نظرتان در مورد تلفیق مناسب موسیقی کلاسیک و موسیقی سنتی ایرانی چیست؟

موسیقی کلاسیک وضعیت متفاوتی دارد. روی یک اسلوبی است که در دنیا متداول است. همانطور که قبلاً هم گفتم موسیقی کلاسیک یعنی موسیقی دنیا روی پرده و نیم پرده است و فاقد ربع پرده. موسیقی ما خیلی غنی است. ما علاوه بر پرده و نیم پرده، ربع پرده هم داریم. باید بیشتر روی آن کار کنیم ما هم بایستی با موسیقی ایرانی سوناتها و سمفونیهای بزرگ درست کنیم.

آیا امکان دارد که در مایه‌های مختلف دستگاه‌های اصیل ایرانی مانند شور، ماهور، همایون و غیره موزیکالهای سمفونیک تهیه کرد؟ بله، و شروع این کار از «استاد علینقی وزیری» بود او سمفونی به نام «شبان و موسی» ساخت که از داستانی به همین نام اقتباس شده بود و بعدها نیز خود من چند قطعه مثل: سوئیت دشتی - سوئیت سه گاه - سوئیت ماهور تهیه کردم که مورد استقبال زیاد قرار گرفت.

اولین ساخته شما که به وسیله خواننده اجراء شد چه نام داشت؟

اولین کاری که برای ارکستر نوشتم و آواز روی آن گذاشته شد مرحوم بنان اجراء کرده و دیلمان نام دارد. دیلمان در مایه دشتی است و چهار مضرب آن را مرحوم صبا ساخته است.

آیا از بزرگانی مانند مرحوم پدرتان یا مرحوم شهنازی یا استاد صبا، خالقی و... خاطراتی دارید که برای ما نقل کنید؟

من و مرحوم صبا، باهم در مدرسه عالی موسیقی تحصیل می‌کردیم. این مدرسه را «کلنل وزیری» تأسیس کرد. واقعا می‌توان او را بنیانگذار موسیقی اصیل ایرانی روی اسلوب صحیح دانست.

استاد شما فرمودید که موسیقی ایرانی موسیقی خیلی کاملی است پس چرا این قدر جوانهای ما به سوی موسیقی غربی متمایل می‌شوند؟ چه کمبودهایی در موسیقی ایرانی هست؟ چرا همه می‌گویند موسیقی ایرانی یکنواخت است؟

نه این طور نیست. باید قطعاتی ساخته شود که از یکنواختی بیرون بیاید. باید آهنگهای شاد بسازند ولی اسلوب همان اسلوب صحیح باشد. و می‌توان از موسیقی دنیا هم کمک گرفت.

... خسته‌تان کردیم! آیا شما صحبت دیگری دارید؟

امیدوارم در آینده موسیقی خیلی خوب پیشرفت کند. و خواننده‌ها و نوازنده‌های بهتری پیدا شوند و مدارس موسیقی بیشتر شوند تا مردم از موسیقی با ارزش بیشتر لذت ببرند.

از این که وقتتان را در اختیار ادبستان قرار دادید تشکر می‌کنیم.